

The Effect of Parenting Styles on Early Maladaptive Schemas with the Mediating Role of Overcompensation and Avoidance Coping Styles

Mahnaz Ghiasi^{1*}, Sara Yadollahi², Shirin Izadi³, Maryam Sadri³, Farzaneh Mohammadi⁴, Zohre Jafarzade Jahromi⁵, Zahra Pasandideh.⁶

1- Ph.D. of Psychology, Psychology Department, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: mghiasi12@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Sensorimotor Disabilities, Educational Research Institute, Educational Research and Planning Organization, Tehran, Iran.

3- M.A. of Clinical Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Ph.D. of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran.

5- Ph.D. of Clinical Psychology, Department of Counseling and Mental Health, Jahrom University of Medical Sciences and Health Services, Jahrom, Iran.

6- M.A. of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Gilan, Iran.

Received: 07/05/2023

Accepted: 18/10/2023

Abstract

Introduction: According to studies, the severity of maladaptive schemas is directly related to parenting experiences and coping methods.

Aim: The present study was conducted with the aim of investigating the effect of parenting styles on early maladaptive schemas with the mediating role of overcompensation and avoidance coping styles.

Method: This descriptive research was of the correlation type (structural equation modeling). The statistical population was all the students who were studying at the undergraduate level in the country, which was selected by the multistage cluster sampling method (after dividing the entire country into 5 areas and selecting 5 universities by the researcher and five trained colleagues), 1509 participants were selected as a sample and responded to Young Schema (YSQ-S3), Young Parenting (YPI), Young-Ray Avoidance (YRAI) and Young overcompensation (YCI) questionnaires. Data analysis was done by structural equation analysis using SPSS-23 and AMOS-24.

Results: The findings showed the appropriate fit of the model (RMSEA=.087, $X^2/df=31.77$, CFI=.93). Parenting styles had a significant direct and positive effect ($\beta=0.27$) on early maladaptive schemas ($P<0.01$). Also, parenting styles had a significant indirect and positive effect ($\beta=0.21$) on early maladaptive schemas through the mediating variables of avoidance and overcompensation coping styles ($P<0.01$). Bootstrap approximation was used to analyze the significance of the effects.

Conclusion: The results of this research can be used to explain the factors affecting early maladaptive schemas and as a suitable model for designing comprehensive programs in this field.

Keywords: coping styles, parenting style, early maladaptive schemas mediator role, structural equation

Ghiasi M, Yadollahi S, Izadi S, Sadri M, Mohammadi F, Jafarzade Jahromi Z et al . The Effect of Parenting Styles on Early Maladaptive Schemas with the Mediating Role of Overcompensation and Avoidance Coping Styles. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry 2024; 11 (2) :50-55URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-2061-fa.html>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای - جبران افراطی و اجتناب

مهناز غیائی^{۱*}، سارا یدالهی^۲، شیرین ایزدی^۳، مریم صدری^۴، فرزانه محمدی^۵، زهره جعفرزاده جهرمی^۵، زهرا پسندیده^۶

۱. دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: mghiasi12@gmail.com

۲. استادیار، گروه معلولیت‌های حسی حرکتی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۵. دکتری روانشناسی بالینی، اداره مشاوره و سلامت روان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران.

۶. کارشناس ارشد روانشناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

چکیده

مقدمه: طبق مطالعات شدت طرحواره‌های ناسازگار اولیه به طور مستقیم با تجارب والدینی و شیوه‌های مقابله مرتبط است.

هدف: پژوهش حاضر، با هدف بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای جبران افراطی و اجتناب انجام شد.

روش: این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی (مدل‌یابی معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی در سطح کشور بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (پس از تقسیم کل کشور به ۵ ناحیه و انتخاب ۵ دانشگاه توسط شخص محقق و پنج همکار آموزش دیده)، ۱۵۰۹ شرکت‌کننده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های طرحواره یانگ (YSQ-S3)، فرزندپروری یانگ (YPI)، اجتناب یانگ-رای (YRAI) و جبران افراطی یانگ (YCI) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای SPSS-23 و AMOS-24 انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها برازش مناسب مدل ($RMSEA=0.087$, $X^2/df=31.77$, $CFI=0.93$) را نشان داد. سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه اثر مستقیم و مثبت ($\beta=0.27$) معنادار داشت ($P<0.01$). همچنین، سبک‌های فرزندپروری از طریق متغیرهای میانجی سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه اثر غیرمستقیم و مثبت ($\beta=0.21$) معنادار را دارا بود ($P<0.01$). تخمین بوت‌استرپ برای بررسی معناداری اثرات استفاده شد.

نتیجه‌گیری: از نتایج این پژوهش می‌توان جهت تبیین عوامل مؤثر بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و به‌عنوان مدل مناسبی برای طراحی برنامه‌های جامع در این زمینه بهره برد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های مقابله‌ای، سبک فرزندپروری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نقش میانجی، معادلات ساختاری.

مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر انسان است و نقش بسزایی را در مراحل بعدی موجب خواهد شد. طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱، ساختارهای ذهنی پایداری محسوب می‌شوند که بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارند؛ این ساختارها در کودکی و نوجوانی شروع به شکل‌گیری می‌کنند، در مسیر زندگی تداوم می‌یابند و به شدت ناکارآمدند (یانگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). به باور یانگ طرحواره‌های ناسازگار اولیه به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به - وجود می‌آیند (اکسی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰) و بر اساس آن ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را در قالب پنج حیطه معرفی کرده است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). حجم وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در علائم و مشکلات روان‌شناختی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، نتایج مطالعات فرا تحلیل نشان می‌دهد که تمامی ۱۸ طرحواره‌های ناسازگار اولیه با افسردگی همبستگی مثبت داشته (بیشاپ^۴ و همکاران، ۲۰۲۲) و طرحواره استانداردهای سخت‌گیرانه به عنوان یک طرحواره قابل توجه در افراد مبتلا به اختلالات خوردن ظاهر می‌شود (ماهر^۵ و همکاران، ۲۰۲۲).

پژوهش‌ها در زمینه ایجاد طرحواره‌ها نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه بیش از اینکه نتیجه وقایعی تکان‌دهنده باشند، احتمالاً با الگوهای مداوم روزمره در ارتباط با اعضای خانواده و هم‌تایان ایجاد می‌شوند؛ از مهم‌ترین این الگوهای مؤثر می‌توان به سبک‌های

فرزندپروری اشاره کرد (باچ^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ پیلرون^۷ و همکاران، ۲۰۱۷). سبک فرزندپروری^۸ مکانیسم پیچیده‌ای است که به مجموعه‌ای از الگوهای ارزشی، عملکرد، شیوه‌ها و رفتارهای غیر کلامی والدین اطلاق می‌شود و ماهیت تعامل کودک و والدین را در موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند (فونسکا^۹ و همکاران، ۲۰۲۰؛ سینگه^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸). به عنوان مثال، در سبک فرزندپروری تحقیر/انتقاد، والدین به گونه‌ای با کودکان رفتار می‌کنند که گویی آنان همیشه رفتار نادرست از خود نشان می‌دهند و بی‌کفایت‌اند. در سبک فرزندپروری بیش از حد مراقبت‌کننده، رفتارهای محافظتی شدیدی وجود دارد که نمی‌گذارد کودکان به خود اعتماد کنند (اکسی و همکاران، ۲۰۲۰). پژوهش‌های انجام شده بر روی سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای رشدی مانند کفایت اجتماعی^{۱۱}، همکاری و خودنظم‌بخشی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت؛ و همچنین بین بهزیستی روان‌شناختی و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه همبستگی منفی وجود دارد (فرانسیس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس، درک کودک از نگرش والدین و یا رابطه وی با مراقبین را می‌توان پایه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نظر گرفت (تاپل^{۱۳}، ۲۰۲۱). طبق مطالعه شوت^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۹) اثر غیرمستقیم طرد از سوی پدر بر علائم افسردگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه معنادار بود. همچنین طرد از سوی پدر اثر مثبت و مستقیم بر

⁶ Bach.

⁷ Pellerone.

⁸ parenting style

⁹ Fonseca.

¹⁰ Singh

¹¹ social competent

¹² Francis.

¹³ Tappel

¹⁴ Shute

¹ early maladaptive schemes (EMS)

² Young.

³ Eksi

⁴ Bishop

⁵ Maher.

می‌رود مغایر است (یانگ، ۱۹۹۹) و حمله متقابل علیه طرحواره است. گرچه سبک‌های مقابله‌ای در کوتاه‌مدت حمایت روانی برای فرد فراهم می‌کنند ولی به تداوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بزرگسالی کمک می‌کنند (لوئیس^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج تحقیق تقوی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد نقش تعاملی سبک مقابله‌ای اجتناب با حیطه‌های خودگردانی و عملکرد مختل و گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری در پیش‌بینی اختلال پرخوری معنادار بود. همچنین، ارتباط سبک مقابله‌ای جبران افراطی و حیطه بریدگی و طرد در این اختلال معنادار بود (لوئیس و همکاران، ۲۰۲۰). بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی با سلطه‌گری رابطه مثبت وجود داشت (صلاحیان و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به تبیین نظری یانگ از اهمیت ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نقشی که سبک‌های مقابله‌ای در این راستا دارند، مشکلات روانشناختی شدید می‌تواند تجربه شود. طبق مرور شواهد پژوهشی، در زمینه بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای جبران افراطی و اجتناب، خلأ پژوهشی مشاهده شد. از طرفی، از آنجا که طرحواره‌ها می‌توانند یک ملیت را تحت تأثیر قرار بدهند، پژوهشی که به بررسی جامع متغیرهای نظریه یانگ در سطح کشوری پرداخته باشد؛ یافت نشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای جبران افراطی و اجتناب است.

الگوی خشم داشت. کنترل‌گری مادر نیز بر علائم اضطراب و افسردگی فرزندان تأثیر داشت. هاگ^۱ و همکاران (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی دریافتند طرحواره‌های حیطه‌های بریدگی و طرد و عملکرد مختل نقش میانجی را در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و علائم افسردگی ایفا می‌کنند. طی پژوهش صلاحیان و همکاران (۱۴۰۱) تجارب ناگوار دوران کودکی بر افسردگی در ورزشکاران اثر معنادار داشت.

با شکل‌گیری هر یک از طرحواره‌های ناسازگار اولیه، افراد از طریق سبک‌های مقابله‌ای با آن‌ها مقابله می‌کنند. سبک‌های مقابله‌ای^۲ تلاش‌های شناختی و رفتاری هستند که افراد برای کنترل و کاهش تنیدگی (لیو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲) و به عنوان رفتار سازشی برای اجتناب از تجربه طرحواره‌های بین‌فردی ناسازگار به کار می‌برند (کی و بارلس^۴، ۲۰۲۰).

در سبک مقابله‌ای اجتناب افراد زندگی خود را طوری تنظیم می‌کنند که طرحواره فعال نشود و از فکر کردن به طرحواره اجتناب می‌کنند (فیچر^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). طی پژوهش آهنگری و همکاران (۱۳۹۹) مشخص شد طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ترس از ارزیابی منفی در امتحان رابطه دارند. نتایج مطالعه کایچو^۶ (۲۰۱۶) نشان داد که درک و پذیرش والدین یک عامل محافظت‌کننده در برابر تقویت سبک مقابله‌ای اجتناب است.

سبک مقابله‌ای جبران افراطی به رفتارها یا شناخت‌هایی که برای یک طرحواره جبران مضاعف به شمار می‌آیند اشاره دارد، با آنچه که از طرحواره‌های اولیه فرد انتظار

¹ Haugh

² coping style

³ Liu

⁴ Ke & Barlas

⁵ Fischer

⁶ Caycho

⁷ Louis

روش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی (معادلات ساختاری) بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دوره کارشناسی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های کشور در سال ۱۴۰۰ بود. افراد نمونه به تعداد ۱۵۰۹ دانشجو از دانشگاه‌های شاهد، گیلان، اصفهان، آزاد اسلامی- واحد علوم تحقیقات فارس و فردوسی مشهد با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که در ابتدا از ۵ ناحیه جغرافیایی کشور (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) استان‌های تهران، گیلان، اصفهان، فارس و خراسان و از هر یک از این استان‌ها شهرهای تهران، رشت، اصفهان، شیراز و مشهد به شیوه تصادفی انتخاب شدند. سپس، از هر شهر ۱ دانشگاه (دانشگاه‌های شاهد، گیلان، اصفهان، آزاد اسلامی- واحد علوم تحقیقات فارس و فردوسی مشهد) و از هر دانشگاه، ۴ دانشکده و از هر دانشکده، ۵ کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، پرسشنامه‌ها توسط شخص محقق و پنج همکار آموزش- دیده وی در بین دانشجویان کلاس‌های انتخاب شده اجرا شد.

ملاک‌های ورود محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، اشتغال به تحصیل در دوره کارشناسی و رضایت شرکت‌کنندگان برای تکمیل پرسشنامه‌ها بود. تمامی داده‌های جمع‌آوری شده از افرادی که این ملاک‌ها را برآورده می‌کردند در تحلیل نهایی لحاظ شدند و افرادی که این ملاک‌ها را برآورده نمی‌کردند شامل ملاک‌های خروج شدند و از نمونه نهایی حذف گردیدند.

جهت رعایت نکات اخلاقی، رضایت افراد شرکت‌کننده در پژوهش به‌منظور پاسخگویی به پرسشنامه‌ها کسب شد

و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات مندرج در فرم مشخصات فردی و پرسشنامه‌ها کاملاً محرمانه بوده، کاربرد پژوهشی دارد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی و معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای SPSS-23 و AMOS-24 انجام شد.

ابزار

پرسشنامه طرحواره یانگ (نسخه سوم فرم کوتاه، ۲۰۰۵)^۱ (YSQ-S3): این فرم توسط یانگ و براون^۲ (۲۰۰۵) ساخته شده است؛ یک ابزار خودگزارشی ۹۰ گویه‌ای است که برای ارزیابی ۱۸ طرحواره در ۵ حیطه (بازداری و گوش‌به‌زنگی بیش از حد^۳، بریدگی و طرد^۴، خودگردانی و عملکرد مختل^۵، محدودیت‌های مختل^۶، دیگرجهت‌مندی^۷) به کار می‌رود (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). هر یک از گویه‌ها، بر اساس یک مقیاس شش-درجه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند و می‌توان نمره کل از جمع تمامی گویه‌ها به دست آورد. در مطالعه گیبسون و فرانسس^۸ (۲۰۱۹) آلفای کرونباخ تا ۰/۹۱ و با میانگین متغیر ۰/۷۶ گزارش شد. طی بررسی ویژگی‌های روانسنجی توسط قهاری و همکاران (۱۳۹۹) پایایی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۶ بود. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد.

پرسشنامه فرزندپروری یانگ^۹ (YPI): پرسشنامه فرزندپروری یانگ (۱۹۹۴) ابزاری برای شناسایی ریشه-

^۱ Young Schema Questionnaire-S3 (YSQ-S3)

^۲ Brown

^۳ overvigilance / inhibition

^۴ rejection and disconnection

^۵ impaired autonomy and performance

^۶ impaired limits

^۷ other-directedness

^۸ Gibson & Francis

^۹ Young Parenting Inventory (YPI)

پرسشنامه جبران افراطی یانگ^۴ (YCI)، این پرسشنامه که توسط یانگ (۱۹۹۴) به منظور بررسی سبک مقابله‌ای جبران افراطی ساخته شده است؛ ۴۸ گویه دارد و در مقیاس لیکرت شش درجه‌ای نمره گذاری می‌شود. نمرات بالا نشان‌دهنده راهبرد جبران افراطی غالب در فرد است و نمره کل می‌تواند از جمع گویه‌ها حاصل شود. در پژوهش گالام^۵ و همکاران (۲۰۱۸) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۱ گزارش شد. در پژوهش نوربالا و همکاران (۱۳۹۵) آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۲ گزارش شد. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۰ مشاهده شد.

یافته‌ها

از تعداد ۱۵۰۹ نفر که به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند ۳۷۶ نفر از شهر تهران، ۲۳۶ نفر از شهر رشت، ۲۶۶ نفر از شهر شیراز، ۳۴۰ نفر از شهر اصفهان، ۲۹۱ نفر از شهر مشهد در پژوهش مشارکت داشتند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۲/۹۳ با انحراف معیار ۵/۸۶ بود. در جدول ۱ فراوانی و درصد مربوط به شرکت‌کنندگان بر اساس جنسیت و وضعیت تأهل مشاهده می‌شود.

های دوران کودکی طرحواره‌ها است و محیط دوران کودکی را که احتمالاً منجر به شکل‌گیری طرحواره‌ها شده است منعکس می‌سازد. این مقیاس متشکل از ۷۲ عبارت است که در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌شود و در مورد پدر و مادر به طور جداگانه لازم است فرد پاسخ بدهد. برای طرحواره محرومیت هیجانی نمره-گذاری به صورت معکوس انجام می‌شود. هر اظهارنظری منعکس‌کننده رفتارهای فرزندپروری است. شفیلد^۱ و همکاران (۲۰۰۵) پس از مطالعه خصیصه‌های روان‌سنجی این پرسشنامه طی تحلیل عامل، آلفای کرونباخ را ۰/۹۲-۰/۷۰ گزارش دادند. در ایران، امیرسرداری و همکاران (۱۳۹۵) به دنبال بررسی کفایت روانسنجی پرسشنامه، پایایی مقیاس‌ها را از طریق آلفای کرونباخ به مقدار ۰/۹۱-۰/۷۰ گزارش دادند. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۳ حاصل شد.

پرسشنامه اجتناب یانگ-رای^۲ (YRAI)، این فرم که توسط یانگ (۱۹۹۴) به منظور بررسی سبک مقابله‌ای اجتناب ساخته شده است در طیف لیکرت شش درجه‌ای قرار دارد، دارای ۴۱ گویه بوده و می‌توان با جمع زدن گویه‌ها نمره کل به دست آورد (یانگ و براون، ۲۰۰۵). میزان پایایی درونی این پرسشنامه با آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف قابل قبول (۰/۷۰ تا ۰/۷۹) گزارش شده است (مایرت^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش سلیمانی صفت و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ از ۰/۶۹ تا ۰/۸۳ بود و پایایی زمانی آن از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ بود. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۲ به دست آمد.

^۴Young Compensation Inventory (YCI)

^۵ Gülüm

^۱ Sheffield

^۲ Young-Rygh Avoidance Inventory (YRAI)

^۳ Mairet

جدول ۱ فراوانی و درصد بر اساس جنسیت و وضعیت تأهل

فراوانی (درصد)	
زن	۱۰۶۲ (۷۰/۳۷)
مرد	۴۴۷ (۲۹/۶۳)
مجرد	۱۲۳۸ (۸۲/۰۵)
متأهل	۲۷۱ (۱۷/۹۵)

مطابق جدول ۱، تعداد ۱۰۶۲ نفر زن و ۴۴۷ نفر مرد (به ترتیب ۷۰/۳۷ و ۲۹/۶۳ درصد) بودند. ۲۷۱ نفر متأهل و ۱۲۳۸ نفر مجرد (به ترتیب ۱۷/۹۵ و ۸۲/۰۵ درصد) بودند.

جدول ۲ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۴۶/۱۶	۱۹/۴۰
خودگردانی و عملکرد مختل	۳۳/۷۰	۸/۰۹
محدودیت‌های مختل	۶۴/۸۵	۲۳/۴۲
بریدگی و طرد	۴۶/۸۸	۱۱/۶۳
هدایت شدن توسط دیگران	۶۱/۱۳	۱۶/۲۲
بازداری و گوش‌به‌زنگی بیش از حد	۱۲۴/۷۴	۲۱/۲۷
سبک مقابله‌ای اجتناب	۱۶۶/۷۴	۳۰/۲۹
سبک مقابله‌ای جبران افراطی	۱۸۰/۳۹	۳۴/۲۶
سبک فرزندپروری	۱۸۱/۲۶	۳۶/۵۶
مادر		
پدر		

طبق یافته‌های جدول ۲، بیشترین میانگین در حیطه‌های مربوط به طرحواره‌های ناسازگار اولیه متعلق به حیطه بریدگی و طرد (۶۴/۸۵) با انحراف استاندارد ۲۳/۴۲ است. در سبک فرزندپروری، میانگین و انحراف استاندارد در زیرمقیاس‌های مربوط به مادر و پدر بسیار نزدیک به هم قرار دارد.

در جدول ۳، همبستگی پیرسون بین سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی، حیطه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و زیرمقیاس‌های سبک فرزندپروری آمده است.

جدول ۳ همبستگی متغیرهای پژوهش

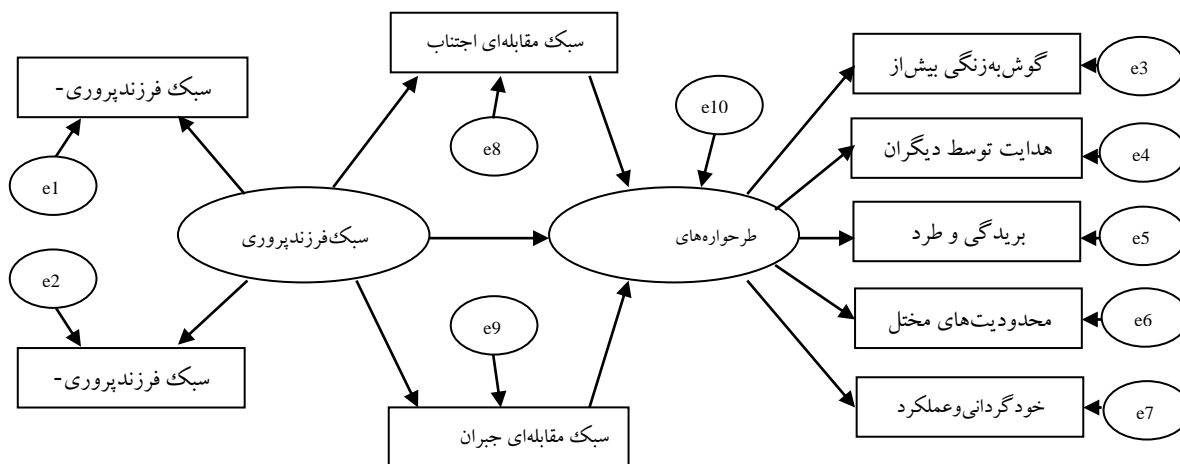
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
**۰/۲۹۲	**۰/۲۹۲	**۰/۳۷۱	*۰/۵۷۳	**۰/۷۳۰	**۰/۶۶۸	**۰/۸۳۵	**۰/۴۶۵	۱	۱. خودگردانی و عملکرد مختل
**۰/۳۶۳	**۰/۳۸۳	**۰/۶۲۳	*۰/۴۹۴	**۰/۶۷۷	**۰/۶۲۵	**۰/۵۷۸	۱		۲. محدودیت‌های مختل
**۰/۳۹۲	**۰/۳۹۴	**۰/۴۵۸	**۰/۵۵۳	**۰/۷۸۶	**۰/۷۳۹	۱			۳. بریدگی و طرد
**۰/۴۳۴	**۰/۴۳۸	**۰/۵۵۵	**۰/۵۶۱	**۰/۷۵۳	۱				۴. هدایت شدن توسط دیگران
**۰/۳۹۷	**۰/۴۲۷	**۰/۵۹۶	**۰/۵۸۵	۱					۵. بازداری و گوش‌به‌زنگی بیش از حد
**۰/۲۹۰	**۰/۲۹۴	**۰/۶۰۵	۱						۶. سبک مقابله‌ای اجتناب
**۰/۳۲۳	**۰/۳۲۸	۱							۷. سبک مقابله‌ای جبران افراطی
**۰/۷۷۲	۱								۸. سبک فرزندپروری (مادر)
۱									۹. سبک فرزندپروری (پدر)

**P<0.01

در برآورد و آزمون مدل کامل از روش برآورد بیشینه درست‌نمایی MLE استفاده شده است که در آن تلاش می‌شود اندازه‌های پارامترها به گونه‌ای برآورد شود که به بیشترین احتمال برازش داده‌های واقعی با مدل پیشنهادشده منجر شود.

بررسی داده‌های پرت به منظور تعیین بهنجاری داده‌ها با استفاده از محاسبه فاصله ماهالانوبیس^۱ انجام شد. بر اساس نتایج، داده پرتی مشاهده نشد.

مطابق جدول ۳، همبستگی بین متغیرهای پژوهش مثبت و معنادار است (P<0.01). بیشترین میزان همبستگی بین حیطه‌های خودگردانی و عملکرد مختل با بریدگی و طرد (۰/۸۳۵) است. کمترین میزان همبستگی نیز بین سبک مقابله‌ای اجتناب و سبک فرزندپروری (پدر) (۰/۲۹۰) مشاهده می‌شود.



شکل ۱ مدل اولیه پژوهش

^۱ mahalanobis

شاخص‌های برازش نسبی NFI (شاخص نیکویی برازش
هنجارشده^۳)، CFI (شاخص برازش تطبیقی^۴) و IFI
(شاخص برازش افزایشی^۵)، PNFI (شاخص برازش
هنجارشده ایجازی^۶) و PCFI (شاخص برازش تطبیقی
ایجازی^۷) و شاخص
برازش مطلق RMSEA (جذر میانگین مجذورات خطای
تقریب^۸) انجام شده است. این شاخص‌ها در جدول ۴
آمده است.

شاخص‌های برازش^۱ مدل پیشنهادشده و شاخص‌های
بهبود^۲ نشان داد می‌توان با ایجاد ارتباط بین چند خطا
بدون آن‌که کلیت مدل تغییر کند، شاخص‌های برازش را
بهبود بخشید. شاخص‌های برازش مدل بهبودیافته و خود
این مدل در جدول ۴ و شکل ۲ آمده‌اند. تحلیل کلیت
مدل (با استفاده از شاخص‌های برازش کلی) و ارزشیابی
آن با هدف تعیین سطح عمومی میزان تناسب از
شاخص‌های برازش CMIN/df (شاخص آماره^۲ خی‌دو
بهنجار یا نسبی تقسیم بر درجه آزادی)،

جدول ۴ اندازه‌های برازش مطلق، نسبی و ایجازی برای مدل
کامل

مطلق		نسبی		موجز	
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۳۱/۷۷	خی‌دو/درجه آزادی	۰/۹۳۰	CFI	۰/۵۶۷	PNFI
۰/۰۸۷	RMSEA	۰/۹۳۰	IFI	۰/۵۶۸	PCFI
		۰/۹۲۸	NFI		

³. Normed Fit Index

⁴. Comparative Fit Index

⁵. Incremental Fit Index

⁶. Parsimonious Normed Fit Index

⁷. Parsimonious Comparative Fit Index

⁸. Root Mean Square Error of Approximation

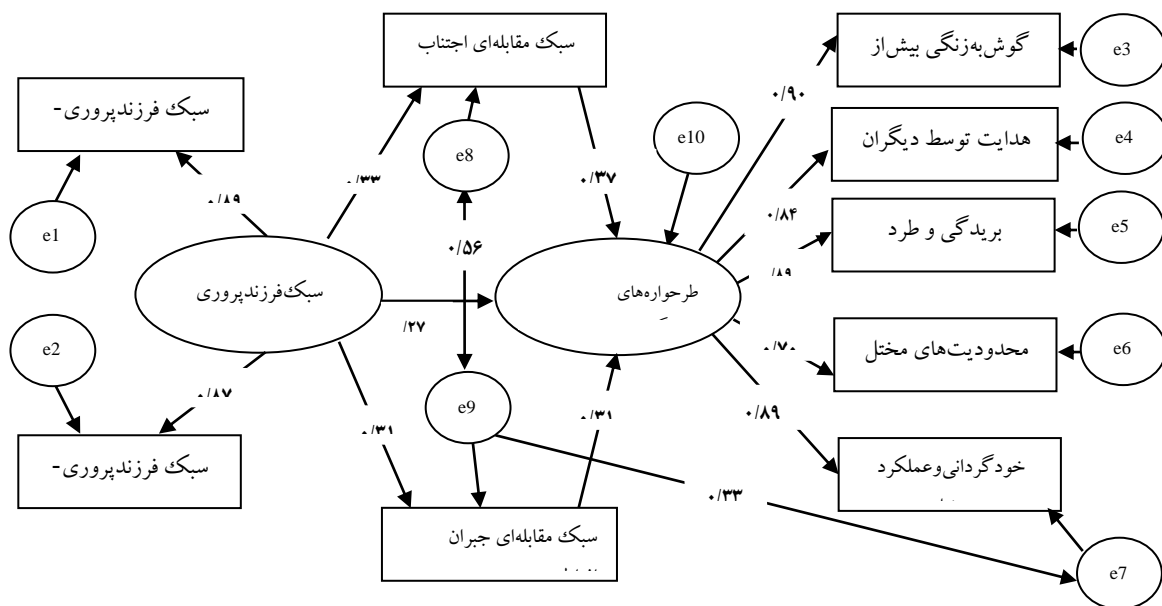
¹. Fit indices

². modification indices

در مجموع ۲۳ پارامتر برآورد شده‌اند که با وجود ۴۵ عنصر غیر زائد در ماتریس مشاهده شده، درجه آزادی مدل برابر با ۲۲ محاسبه شده است. همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، با توجه به ملاک‌های عنوان شده شاخص‌های برازش حاکی از برازش مناسب مدل هستند و نشان می‌دهند وضعیت کلی مدل مطلوب است (فقط شاخص‌های دو/درجات آزادی از عدد معیار ۵ بیشتر

است که می‌توان آن را به حجم نمونه بالا نسبت داد). نتایج تحلیل مدل اولیه در شکل ۲ ارائه شده است.

در جدول ۴ شاخص‌های تطبیقی بزرگ‌تر از ۰/۹۰ به معنای توان مدل در فاصله گرفتن از یک مدل مستقل و نزدیک شدن به مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده است. مقدار χ^2 دو نیز نشان می‌دهد که نمی‌توان تفاوت بین ماتریس‌های کوواریانس مشاهده شده و بازتولید شده را به لحاظ آماری معنادار تلقی کرد. مقدار شاخص χ^2 دو غیر معنادار (χ^2 دو تقسیم بر درجه آزادی کوچک‌تر از ۵)، شاخص‌های برازش نسبی CFI و NFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰، شاخص برازش مطلق RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ و PNFI و PCFI بزرگ‌تر از ۰/۵ مورد نظر است (کلاین^۱، ۲۰۱۰).



شکل ۲ نتایج تحلیل مدل بهبود یافته

^۱.Kline

افراطی (متغیرهای میانجی) بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه (متغیر ملاک) ارائه شده است.

در جدول ۵، مسیرهای مربوط به اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی مربوط به سبک‌های فرزندپروری (متغیر پیش‌بین) و سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران

جدول ۵ مسیرهای مربوط به اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای پیش‌بین و میانجی بر متغیر ملاک

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین / میانجی	مستقیم	معناداری	غیرمستقیم	معناداری	کل	معناداری
YSQ	پیش‌بین	۰/۲۷۲	۰/۰۰۰۱**	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰۱**	۰/۱۳۰	۰/۰۰۰۱**
	میانجی	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰۱**	-	-	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰۱**
	YCI	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰۱**			۰/۲۵۶	۰/۰۰۰۱**

*P<0.01

معیار ۰/۳۰ بود (به ترتیب $Pvalue=0/0001$).

بحث

هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای جبران افراطی و اجتناب بود. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه معنادار بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های فرانسیس و همکاران (۲۰۲۱)، تاپل (۲۰۲۱)، باج و همکاران (۲۰۱۸)، پیلرون و همکاران (۲۰۱۷) و هاگ و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. در تبیین یافته حاضر همانطور که مدل یانگ (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند یکی از میانجی‌های بالقوه در رابطه پیوند والدینی و آسیب‌شناسی روانی فرزندان گسترش طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. در ارتباط با خاستگاه طرحواره‌ها فرض بر این است که پنج نیاز اساسی کودک باید ارضا شود تا فرد رشد سالم داشته باشد. اگر در سبک فرزندپروری والدین هر یک از نیازها به خوبی برآورده نشود، متناسب با عدم ارضا، کودک مستعد ایجاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در یک یا چند حیطه می‌شود. مطالعه باج و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری ($\beta=0/272$ و $p<0/0001$)، سبک‌های مقابله‌ای اجتناب ($\beta=0/306$ و $p<0/0001$) و جبران افراطی ($\beta=0/375$ و $p<0/0001$) بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر متغیر ملاک ($\beta=0/218$ و $p<0/0001$) معنادار است. با توجه به معناداری اثرهای کلی سبک‌های فرزندپروری ($\beta=0/130$ و $p<0/0001$)، سبک‌های مقابله‌ای اجتناب ($\beta=0/148$ و $p<0/0001$) و جبران افراطی ($\beta=0/256$ و $p<0/0001$) بر متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش واسطه‌ای معناداری ایفا می‌کنند.

در ادامه، به منظور بررسی معناداری اثرات از تخمین بوت‌استرپ^۱ و فواصل اطمینان دو دامنه‌ای اصلاح‌شده برای سوگیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که این حدود برای اثر واسطه‌ای سبک مقابله‌ای اجتناب بین ۰/۳۲۳ و ۰/۴۳۵ با خطای معیار ۰/۰۳۱ و برای اثر واسطه‌ای سبک مقابله‌ای جبران افراطی بین ۰/۲۴۷ و ۰/۳۵۰ با خطای

¹ bootstrap approximation

با موقعیت تناسب داشته باشد، به احساسات خود و دیگران خدشه وارد نکند و پیامد منطقی داشته باشد؛ ولی معمولاً جبران افراطی در چرخه حمله متقابل گرفتار می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری به صورت مثبت بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی معنادار است. در ارتباط با بررسی نقش میانجی سبک‌های مقابله‌ای در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه پژوهشی در این راستا یافت نشد؛ اما یافته‌ها با بخشی از نتایج پژوهش‌های لوئیس و همکاران (۲۰۲۰)، کایجو (۲۰۱۶) و تقوی و همکاران (۱۴۰۰) هم‌راستا بود. مطابق مدل طرحواره یانگ (۱۹۹۹) برآورده نشدن نیازهای اصلی توسط مراقبین در دوران کودکی، منجر به بروز مشکلات فراشناختی مانند مشکل در درک نیازها، باورها و اهداف خود و دیگران می‌شود. در طول دوره رشد، خودکارآمدی ادراک شده ضعیف در این زمینه ممکن است با کمبودهایی در درک حالات هیجانی، همدلی و برقراری ارتباط با دیگران همراه شود. این عوامل در شکل‌گیری پیوندهای عاطفی با دیگران تأثیر می‌گذارد و زمینه را برای ایجاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان ادراک فرزندان از انتظارات خود و دنیای اطرافشان در دو سطح شناختی و عاطفی فراهم می‌کند. در بزرگسالی حفظ و تداوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه، احتمالاً به دلیل ادامه یافتن و تأثیر اختلالات فراشناختی و استفاده از سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار است (لیو و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان یک سازه، نه تنها با سبک‌های فرزندپروری بلکه با سبک‌های

داد که در سبک فرزندپروری محدودکننده عاطفی، کودک احساس تعلق خاطر و دوست داشته شدن نمی‌کند (محرومت هیجانی) که با الگوهای حیثه بریدگی و طرد مرتبط است. فرزندپروری کمال‌گرایانه نیز با طرحواره معیارهای سخت‌گیرانه و خواسته‌های بیش از حد در فرد همراه بود.

دیگر یافته پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه تأثیر معناداری داشتند. نتایج این یافته با پژوهش‌های کی و بارلس (۲۰۲۰)، لوئیس و همکاران (۲۰۲۰)، فیچر و همکاران (۲۰۱۶) و تقوی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته باید گفت که در فرایند بقا و حفظ طرحواره، سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار به عنوان یک دام عمل می‌کنند و در نتیجه افراد را در طرحواره‌های ناسازگار خود زندانی می‌کنند. زمانی که افراد از اجتناب به عنوان یک سبک مقابله‌ای استفاده می‌کنند هنگامی که احساسات ناخوشایند ظاهر می‌شوند، آن را به صورت بازتابی به لایه‌های زیرین می‌رانند. راهبرد مقابله‌ای ناسازگاری مانند رها شدن از هیجان یا موقعیت، احتمالاً فرصت فوری و کوتاه‌مدت برای رهایی فرد از ناراحتی ناشی از آن فراهم می‌کند (کی و بارلس، ۲۰۲۰). همچنین با استناد از نظریه طرحواره یانگ (۱۹۹۴) باید بیان کرد در سبک مقابله‌ای جبران افراطی، افراد از طریق فکر، احساس، رفتار و روابط بین فردی به گونه‌ای با طرحواره خود می‌جنگند که انگار طرحواره متضادی دارند. در ظاهر اعتماد به نفس و اطمینان دارند؛ اما در لایه‌های زیرین فشار طرحواره را احساس می‌کنند که این تهدیدی برای فوران هیجانات است. این جنگیدن علیه یک طرحواره تا زمانی سالم محسوب می‌شود که رفتار

تأثیرگذار باشند؛ بنابراین، پرداختن به طرحواره‌های ناسازگار اولیه و توجه به محیط رشدی که والدین فراهم می‌کنند، می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های دوران کودکی و نیز کاهش ابتلا به ناراحتی‌های روان‌شناختی کمک کند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از ابزار خودگزارشی، جمعیت مطالعه که تنها دانشجویان بودند و عامل خستگی به دلیل استفاده از چهار پرسشنامه اشاره نمود. پیشنهاد می‌شود این مطالعه روی نمونه‌های دیگر به منظور تکرارپذیری نتایج انجام شود. مطلوب است مطالعات آینده برای مقایسه نتایج حاصل، از مصاحبه استفاده کنند. همچنین، پژوهش‌هایی در مورد آموزش به والدین در ارتباط با نقش مخرب بدرفتاری عاطفی با کودک پی‌ریزی شود.

سپاسگزاری

این مقاله دارای کد تأیید به شماره ۵۴۶۰۳۴ است. از همکاری صمیمانه دانشگاه‌های شاهد، گیلان، اصفهان، آزاد اسلامی- واحد علوم تحقیقات فارس و فردوسی مشهد و دانشجویانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند قدردانی می‌شود. این پژوهش دارای تعارض منافع و حمایت مالی نیست.

References

- Ahangari E, Tahan M, Syadabadi Z, Sadeghifar A. (2020). Investigating the relationship between early maladaptive schemes and fear of negative evaluation in students with test anxiety. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 7, 1-12. (In Persian)
- Amirsardari L, Esmali A, Khademi A. (2016). Psychometric properties of Young Parenting Inventory. *Journal*

مقابله‌ای نیز در ارتباط هستند. بر اساس نظریه دلبستگی بالبی کودکانی که مادران حمایت‌کننده دارند، از سبک-های مقابله‌ای سازگارتری استفاده می‌کنند. درحالی‌که اقدامات سرد و فاقد همدلی والدین، واکنش‌های عاطفی کودکان را با مشکل مواجه می‌کند و همین موجب مشکل در یادگیری و عدم استفاده از سبک‌های انطباقی و سازگارانه می‌شود. در نتیجه احتمال اتخاذ سبک مقابله‌ای اجتناب را برای کاهش واکنش‌پذیری افراد افزایش می‌دهد (سینگه و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو هنگامی که از طرحواره اجتناب به عنوان یک سبک مقابله‌ای استفاده می‌شود، افراد مبتلا به طرحواره‌های ناسازگار اولیه به طور پنهان از طرحواره‌های خود آگاه هستند؛ ولی به گونه‌ای رفتار می‌کنند که با طرحواره‌های ناسازگار خود مواجه نشوند. زمانی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه فعال می‌شوند، سعی می‌کنند احساسات، افکار و تصاویر مربوط به این طرحواره‌ها را رد کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل شده، می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری به واسطه سبک‌های مقابله‌ای اجتناب و جبران افراطی می‌توانند بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه

- of Educational Psychology, 21, 1-10. (In Persian)
- Bach B, Lockwood G, Young, JE. (2018). A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. *Cognitive behaviour therapy*, 47, 328-349.
- Bishop A, Younan R, Low J, Pilkington PD. (2022). Early maladaptive schemas and depression in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology*

- & Psychotherapy, 29, 111-130.
- Caycho TP. (2016). Relationship with parents and coping strategies in adolescents of lima. *Journal of Educational Psychology-Propositos y Representaciones*, 4, 37-59.
- Eksi H, Okan N, Dinç S. (2020). Are early period maladaptive schemas effective in adolescence? their effect on parenting styles and the need for social approval. *World Journal of Education*, 10, 123-135.
- Fischer TD, Smout MF, Delfabbro PH. (2016). The relationship between psychological flexibility, early maladaptive schemas, perceived parenting and psychopathology. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 5, 169-177.
- Fonseca A, Moreira H, Canavarro MC. (2020). Uncovering the links between parenting stress and parenting styles: The role of psychological flexibility within parenting and global psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 18, 59-67.
- Francis A, Pai MS, Badagabettu S. (2021). Psychological well-being and perceived parenting style among adolescents. *Comprehensive child and adolescent nursing*, 44, 134-143.
- Ghahari SH, Viesy F, Kavand H, Yekefallah M, Zandifar H, Farrokhi N, Davoodi R. (2020). Psychometric properties of Early Maladaptive Schemas Questionnaire Short Form-75 Items (YSQ-SF). *Journal of Nurse and Physician within War*, 8, 31-40. (In Persian)
- Gibson M, Francis AJ. (2019). Intergenerational transfer of early maladaptive schemas in mother-daughter dyads, and the role of parenting. *Cognitive Therapy and Research*, 43, 737-747.
- Gulum IV, Soygut G, Ataman E. (2018). Schema therapy for pervasive and chronic life problems: A hermeneutic single-case efficacy design study. *Journal of Psychotherapy*, 22, 1-19.
- Haji Seyed Taghiya Taghavi ZA, Poursharifi H, Meschi F, HassanAbadi H, Rezaei M. (2021). The moderating role of coping styles in relation to early maladaptive schemas and eating disorder. *Iranian Journal of Psychiatry Nursing*, 9, 1-10. (In Persian)
- Haugh JA, Miceli M, DeLorme J. (2017). Maladaptive parenting, temperament, early maladaptive schemas, and depression: a moderated mediation analysis. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 39, 103-116.
- Ke T, Barlas J. (2020). Thinking about feeling: Using trait emotional intelligence in understanding the associations between early maladaptive schemas and coping styles. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 93, 1-20.
- Kline RB. (2010). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). New York, NY: Guilford Press.
- Liu J, Yang Y, Chen J, Zhang Y, Zeng Y, Li J. (2022). Stress and coping styles among nursing students during the initial period of the clinical practicum: A cross-section study. *International Journal of Nursing Sciences*, 9, 222-229.
- Louis JP, Wood AM, Lockwood G. (2020). Development and validation of the Positive Parenting Schema Inventory (PPSI) to complement the Young Parenting Inventory (YPI) for schema therapy (ST). *Assessment*, 27, 766-786.
- Maher A, Cason L, Huckstepp T, Stallman

- H, Kannis- Dymand L, Milliar P, ... Allen A. (2022). Early maladaptive schemas in eating disorders: A systematic review. *European Eating Disorders Review*, 30, 3-22.
- Mairet K, Boag S, Warburton W. (2014). How important is temperament? The relationship between coping styles, early maladaptive schemas and social anxiety. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 14, 171-190.
- Noorbala F, Bahram Ehsan H, Alipour A. (2016). Predictive effects of avoidance and overcompensation coping styles on general health. *Health Psychology*, 5, 51-63. (In Persian)
- Pellerone M, Iacolino C, Mannino G, Formica I, Zabbara SM. (2017). The influence of parenting on maladaptive cognitive schema: a cross-sectional research on a group of adults. *Psychology Research and Behavior Management*, 10, 47-56.
- Salahian A, Salahian N, Gharibi H, Saedi S, Zamani H. (2020). Investigating the relationship between object relations and early maladaptive schemas with dominance and moral relations among the couples in Sanandaj. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 7, 104-116. (In Persian)
- Salehian MH, Mokari Saei S, Dastani S, Qiumarsi E. (2022). The impact of adverse childhood experiences, psychological distress and resilience on depression in amateur athletes. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 9, 106-116. (In Persian)
- Sheffield A, Waller G, Emanuelli F, Murray J, Meyer C. (2005). Links between parenting and core beliefs: Preliminary psychometric validation of the Young Parenting Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 29, 787-802.
- Shute R, Maud M, McLachlan A. (2019). The relationship of recalled adverse parenting styles with maladaptive schemas, trait anger, and symptoms of depression and anxiety. *Journal of Affective Disorders*, 259, 337-348.
- Singh V, Behmani RK, Kumar S. (2018). Role of parenting style in mental health and coping style of the adolescents. *Remarking an Analisation*, 3, 32-38.
- Soleimani-Sefat E, Saadati H, Azimian S, Amani Sh, Saleh-Manijeh H, Leshni L. (2017). Psychometric properties of persian version of Young-Rygh Avoidance Inventory. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 23, 232-243. (In Persian)
- Tappel EAJ. (2021). The relationship of recalled adverse parenting styles with schema modes throughout inpatient schema therapy: A clinical sample of patients with complex personality disorders. Master's thesis, University of Twente.
- Young JE, Brown G. (2005). *Young Schema Questionnaire-Short Form. Version 3. Psychological Assessment*.
- Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. (2003). *Schema therapy*. New York: Guilford.
- Young JE. (1994). *Young Parenting Inventory*. New York: Cognitive Therapy Center of New York.
- Young JE. (1994). *Young-Rygh Avoidance Inventory (YRAI)*. New York: Cognitive Therapy Center.
- Young JE. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.